

بازپروری بزهکاران در مقررات ایران

تاریخ دریافت: ۸۵/۵/۱

تاریخ تأیید: ۸۵/۹/۲۸

امیرحسین نیازپور*

۱۴۵

فقه و حقوق / سال سوم / شماره ۱۱ / زمستان ۱۳۸۵

چکیده

بازپروری بزهکاران یکی از سازوکارهایی است که سیاستگذاران جنایی ایران از رهگذر مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی آن را مورد توجه قرار داده‌اند، به گونه‌ای که اکنون می‌توان در گستره مقررات ایران از «حقوق بازپروری بزهکاران» سخن گفت. در این نوشتار تلاش شده است تا در دو گفتار، بازپروری بزهکاران در بستر دستگاههای قضایی و اجرایی و در سطح فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: بزهکار، بازپروری، رویکرد آینده‌گرا، رویکرد گذشته‌گرا، کیفی‌های بالینی، زندانهای اصلاحگر، تدابیر تربیت‌مدار.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (nia_a_ha@yahoo.com).

از گذشته تا امروز به موازات اعمال مجازات بر بزهکاران، نگرشهای متعددی در زمینه کارکردهای کیفر مطرح شده است. این نگرشها به طور کلی با «رویکردی گذشته‌گرا»* و یا با «رویکردی آینده‌گرا»** به پاسخ‌دهی به مجرمان می‌نگرند. در پرتو این نگرشها کارکرد کیفر را می‌توان به دو گونه تکلیف‌گرا (سزاده) و فایده‌گرا (پیشگیرانه) دسته‌بندی کرد. کارکرد تکلیف‌گرای مجازات با «گذشته‌نگری» تنها به دنبال سرزنش بزهکار (مقصر) و کارکرد فایده‌گرای کیفر با «آینده‌نگری» از یک سو در صدد پیشگیری از بزهکاری نخستین مجرمان احتمالی و از سوی دیگر به دنبال پیشگیری از بزهکاری دوباره مجرمان واقعی است (Duff, 2001: 3).

بازپروری بزهکاران برای نخستین بار در قالب درمان پزشکی مجرمان از سوی بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی مطرح شد. آنان عقیده داشتند بزهکاری نوعی بیماری زیستی - سرشتی است که باید با استفاده از مجازات به درمان این دسته از افراد مبادرت ورزید. بدین‌سان، بازپروری مجرمان از نظر بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی - به ویژه سزار لمبروزر - به اقدامهای درمانی - پزشکی محدود می‌شود (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

به تدریج با گسترش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناختی گستره مفهوم این پدیده وسیع‌تر شد. بدین شکل که بزهکاری نه فقط به عنوان یک بیماری و پدیده‌ای زیستی - سرشتی بلکه به عنوان آسیبی اجتماعی و پدیده‌ای انسانی - اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. این امر سبب شد تا گستره بازپروری بزهکاران از درمان پزشکی تا درمان اجتماعی ادامه یابد (ر.ک: آنسل: ۱۳۷۵). بدین ترتیب، تحت تأثیر تحولات جرم‌شناختی جنبه اصلاحی - درمانی (بازپروری) کیفر، بیش از جنبه سزادهی (مکافات) آن مورد توجه نظام عدالت کیفری قرار گرفت، به گونه‌ای که «حقوق کیفری سزاملداری» جای خود را به «حقوق کیفری درمان‌مدار» سپرد.

سیاستگذاران جنایی از رهگذر شماری از اسناد الزام‌آور و ارشادی به بازپروری بزهکاران اشاره نموده‌اند تا بدین ترتیب، دولتها به سوی اتخاذ تدابیر و اقدامهای اصلاحی - درمانی

* Non-Consequentialist approach

رویکرد غیر پیامدگرا

** Consequentialist approach

رویکرد پیامدگرا

هدایت شوند. پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سال ۱۹۴۸، قواعد حداقل چگونگی رفتار با زندانیان سال ۱۹۵۵، پیمان‌نامه حقوق کودک سال ۱۹۸۹ و پیمان‌نامه مبارزه با فساد سال ۲۰۰۳ نمونه‌هایی از این اسنادند. بنابراین، نویسندگان اسناد بین‌المللی تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی در کنار سرکوبگری بزهکاران، دوباره تربیت کردن آنان را مورد توجه قرار داده‌اند.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز با الهام از آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی تلاش کرده‌اند تا جنبه اصلاحی - درمانی کیفر را در پاسخ به برخی از گونه‌های جرائم مورد توجه قرار دهند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۰). از این رو، نویسندگان قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در بند ۵ اصل ۱۵۶ این قانون (ر.ک: نیازپور: ۱۳۸۲) و تدوین‌کنندگان مقررات تقنینی و فروتقنینی به پیروی از آنان، بازپروری بزهکاران را در شماری از قوانین، آیین‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و دستورالعملها به عنوان اهداف و وظایف دستگاه قضایی و اجرایی پیش‌بینی کرده‌اند. بدین‌سان، در حقوق ایران به دلیل توجه شماری از مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی* به اصلاح و درمان مجرمان می‌توان از «حقوق بازپروری بزهکاران» سخن گفت.

بازپروری بزهکاران امروزه بر اساس یافته‌های شماری از پژوهشهای جرم‌شناختی مورد تردید قرار گرفته است، به گونه‌ای که برخی از جرم‌شناسان با طرح اندیشه کیفرهای استحقاقی، دوری جستن از الگوی اصلاحی - درمانی و گرایش دوباره به الگوی بازدارندگی را تنها راهکار مبارزه با افزایش میزان تکرار جرم می‌پندارند (غلامی، ۱۳۸۲: ۹۳). با وجود این، عده‌ای از جرم‌شناسان اندیشه و سیاستهای اصلاحی - درمانی را مناسب‌ترین تدبیر برای پیشگیری از بزهکاری دوباره مجرمان تلقی می‌نمایند. زیرا آنان بر این باورند که دلیل

* Supra legislative and infralegislative.

اگر معیار تقسیم‌بندی قوانین و مقررات درجه آنها باشد در این صورت می‌توان قوانین و مقررات را به سه گونه مقررات فراتقنینی (قانون اساسی)، مقررات تقنینی (قوانین عادی) و مقررات فروتقنینی (آیین‌نامه، بخشنامه‌ها و دستورالعملها) دسته‌بندی کرد. بنابراین، از یک سو قانون اساسی - که با تشریفات ویژه‌ای تدوین و بازنگری می‌شود - فراتر از قوانین عادی و سایر مقررات قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که نویسندگان قوانین عادی ملزم به رعایت اصول مندرج در این قانون هستند و از سوی دیگر آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعملها که معمولاً در شمار زیادی از موارد به منظور اجرایی کردن قوانین تدوین می‌شوند، فروتر از قانون اساسی و قوانین عادی جای می‌گیرند.

شکست جرم‌شناسی بالینی را فقط باید در نبود ابزارها و امکانات جست. بنابراین، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری همواره برای پاسخ‌دهی به بزهکاران از «کیفرهای بالینی» به جای «کیفرهای سرزنش‌گرا» استفاده می‌کنند تا با توجه به نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی مجرمان پاسخهای کیفری متناسب با شخصیت آنان اعمال گردد. در این نوشتار بدون توجه به اینکه آیا سیاستهای اصلاحی - درمانی در ایران به طور واقعی در مورد مجرمان اجرا شده است، در دو گفتار بازپروری بزهکاران از رهگذر مقررات مربوط به آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار نخست: بازپروری بزهکاران در بستر دستگاه قضایی

از آنجا که قوه قضائیه از سوی نویسندگان قانون اساسی به عنوان متولی اصلی بازپروری بزهکاران در ایران پیش‌بینی شده است، شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی بازپروری مجرمان را از یک‌سو با تأسیس نهادهای جدید و از سوی دیگر با اعطای کارکردی جدید به نهادهای از پیش تأسیس شده مورد توجه قرار داده‌اند. در این گفتار از بازپروری بزهکاران در دستگاه قضایی از رهگذر زندان، کانون اصلاح و تربیت، مراکز مراقبت پس از خروج، بیمارستان روانی مجرمان و مراکز مداوای بزهکاران معتاد سخن به میان می‌آید.

الف. بازپروری بزهکاران در زندان

کیفر زندان به عنوان واکنشی رسمی علیه بزهکاران پیشینه‌ای چندان طولانی ندارد، زیرا بیشتر جوامع بشری تا سال ۱۷۸۹ میلادی - یعنی انقلاب فرانسه - معمولاً از کیفرهای بدنی برای مجازات مجرمان استفاده می‌کردند. پس از انقلاب فرانسه آزادی انسان مانند حیات وی از ارزش والایی برخوردار گردیده است. همین امر باعث شده تا مجازات سلب آزادی به عنوان جایگزین کیفرهای بدنی وارد پهنه زرادخانه کیفری شود. این کیفر در آغاز بیشتر جنبه طردکنندگی، توان‌گیری و سزادهی داشت، ولی تحت تأثیر تحولات جرم‌شناختی جنبه اصلاحی و درمانی این مجازات بیش از سایر جنبه‌های آن مورد توجه قرار گرفته است (آشوری، ۱۳۸۲: ۱۱). بدین‌سان، نویسندگان مقررات فراملی و ملی به دنبال چنین تحولی در کارکرد کیفر زندان درصدد ایجاد «زندانهای اصلاح‌گر» به جای «زندانهای سرکوبگر» برآمده‌اند.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز در دو سطح تقنینی و فروتقنینی با الهام گرفتن از اندیشه و جهت‌گیریهای جرم‌شناسی بالینی تلاش نموده‌اند تا کیفر زندان در ایران از کارکردی بازپرورانه (اصلاحی - درمانی) برخوردار شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲). از این رو، قانونگذار ایرانی در پرتو بند ب و ه ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سال ۱۳۶۴، ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۳۸۳ و تدوین‌کنندگان اساسنامه انجمنهای حمایت از زندانیان سال ۱۳۶۰ در بندهای ب، ج، ه، و ماده ۳ و بندهای د، ه، و، ز، ط و ک ماده ۱۶، اساسنامه بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان سال ۱۳۶۳ در بندهای ۲ و ۱ ماده ۱ و آیین‌نامه اجرایی امور خودکفایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سال ۱۳۶۴ در بندهای الف و ب ماده ۱، با نهادن وظایفی از جمله بازسازی شخصیت، اصلاح نظام رفتاری، تربیت و ارشاد زندانیان، سوادآموزی و حرفه‌آموزی آنان، ایجاد موقعیتهای شغلی برای زندانیان هنگام سپری کردن دوران زندان، پیشگیری از بزهکاری دوباره آنان و رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده زندانیان بر عهده سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، انجمنهای حمایت از زندانیان و بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان، درصدد ایجاد زندان اصلاحگر به جای زندان سرکوبگر برآمده‌اند.

از آنجا که کیفر زندان در پهنه سیاست جنایی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، سیاستگذاران جنایی ایران برای اجرای این مجازات آیین‌نامه‌ای، به‌طور خاص، با عنوان آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تدوین کرده‌اند.* زندان مطابق ماده ۳ این آیین‌نامه:

محل است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامهای صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به‌طور دائم به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند.

بنابراین، مسئولان بازپروری زندان موظف شده‌اند بر اساس ماده ۱۴۷، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۷، ۱۳۶، ۳۹، ۲۲، ۱۸، ۱۰ این آیین‌نامه در زمینه آموزش علمی و حرفه‌ای مجرمان،

* نخستین آیین‌نامه در زمینه اجرای مجازات زندان در سال ۱۳۰۷ با عنوان نظامنامه محاسب و توقیفگاهها تدوین گردید. از آن پس تاکنون آیین‌نامه‌های متعددی در این زمینه تنظیم شده است. اصلاحات اخیر این آیین‌نامه در سال ۱۳۸۴ انجام شده است (ر.ک: رجبی: ۱۳۸۲).

به برگزاری دوره‌های آموزش حرفه‌ای اجباری، اشتغال‌زایی، سپردن سرمایه لازم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی - صنعتی* و مطابق ماده ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۸، ۲۴، ۱۸ آیین‌نامه مزبور برای پرورش جسمی و اخلاقی بزهکاران، به برگزاری مسابقات ورزشی، فراهم کردن امکانات ورزشی، برگزاری برنامه‌های هنری، نمایش برنامه‌های دیداری آموزشی - اخلاقی و ایجاد امکانات اصلاحگر مبادرت ورزند.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تدوین‌کنندگان این آیین‌نامه و سایر مقررات تقنینی و فروتقنینی با رویکردی آینده‌گرا به کیفر زندان نگرستند. تحت تأثیر چنین نگرشی زندان درمانگر (زندان - درمانگاه) و زندان اصلاحگر (زندان - مدرسه) به جای زندان سرکوبگر (زندان - پارکینگ) وارد پهنه زرادخانه کیفری ایران شده است.

ب. بازپروری بزهکاران در کانون اصلاح و تربیت

پس از انتشار دیدگاه‌های بنیانگذاران مکتب تحقیقی، امروزه بیشتر سیاستگذاران جنایی هنگام تدوین مقررات کیفری به شخصیت مجرم توجه می‌کنند. بدین‌سان، از آنجا که کودکان به عنوان موجود انسانی کامل و مستقل از بزرگسالان - که فرایند شکل‌گیری و رشد جسمی، روحی و شخصیتی را طی می‌کنند - در برابر کج‌مداری (انحراف)، بزه‌دیدگی و بزهکاری آسیب‌پذیرتر از دیگران هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۱۰)، شمار زیادی از تدوین‌کنندگان مقررات کیفری (خواه مقررات کیفری ماهوی و خواه مقررات کیفری شکلی) تدابیر تربیت‌مدار را برای پاسخ‌دهی به بزهکاری آنان پیش‌بینی نموده‌اند.**

تدوین‌کنندگان مقررات کیفری ایران نیز از یک‌سو به دنبال تحولات جرم‌شناختی و از سوی دیگر تحت تأثیر اسناد بین‌المللی این تدابیر را وارد پهنه تقنینی ایران کرده‌اند

* بر اساس ماده ۶ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹ مقام قضایی هنگامی می‌تواند به اعزام بزهکاران به این مؤسسه‌ها اقدام نماید که: نخست، ارتکاب جرم مستوجب کیفر زندان باشد؛ دوم، بزهکار از راه ولگردی، قوادی، فحشا، گدایی و مانند آن امرار معاش نماید؛ سوم، ارتکاب جرم ناشی از چنین فعالیت‌هایی باشد؛ چهارم، مجرم توانایی جسمی و فکری برای کار کردن در این مؤسسه‌ها را داشته باشد و پنجم، بزهکار فاقد پیشینه کیفری باشد.

** تدابیر تربیت‌مدار دربرگیرنده آموزش، پرورش، حمایت و مراقبت از کودکان بزهکار است تا از این رهگذر زمینه‌های فکری، ذهنی، اخلاقی، روانی و شخصیتی آنان تغییر و فرایند مختل شده تربیتی کودکان بزهکار ترمیم یابد.

(ر.ک: مهرا: ۱۳۸۲، عباچی: ۱۳۸۰ و خواجه‌نوری: ۱۳۸۲). از این‌رو، نویسندگان مقررات کیفری ایران در پرتو شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی بر لزوم تأسیس کانون اصلاح و تربیت به منظور پاسخ‌دهی به کودکان بزهکار تأکید ورزیده‌اند. بر اساس بند ۱ ماده ۲ و بند ۵ ماده ۳ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹، ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و تبصره ۱ بند ب ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) سال ۱۳۷۸، تشکیل کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار و فرستادن کودکان مجرم به این مراکز در شمار سیاستهای جنایی ایران در برابر بزهکاری کودکان قرار گرفته است. به دنبال این امر قانونگذار ایرانی در بند الف ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۳۸۳، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور را مکلف کرده است تا به بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی با اولویت توسعه کانونهای اصلاح و تربیت مبادرت ورزد.

همچنین تدوین‌کنندگان مقررات فروتقنینی در بند ه ماده ۱۳ اساسنامه انجمنهای حمایت از زندانیان سال ۱۳۶۰، ماده ۱ آیین‌نامه انجمنهای حمایت زندانیان سال ۱۳۶۰ و بند ۲ ماده ۱ اساسنامه بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور سال ۱۳۶۳، کمک به ایجاد کانونهای اصلاح و تربیت کودکان بزهکار، مساعدت در بهبود امکانات این مراکز و آموزش حرفه‌ای به کودکان مجرم را در شمار وظایف انجمنهای حمایت از زندانیان و بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور نهاده‌اند. در کنار این دسته از مقررات، شمار دیگری از مقررات تقنینی و فروتقنینی، به طور خاص، تأسیس کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار را مورد توجه قرار داده‌اند. به همین منظور قانونگذار ایرانی برای نخستین بار در سال ۱۳۳۸ با تدوین قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار، به تأسیس کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار و لزوم نگاهداری آنان در این مراکز اشاره کرده و به پیروی از آن نویسندگان مقررات فروتقنینی آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت را در سال ۱۳۴۷ تدوین نموده‌اند.*

* در سال ۱۳۸۳ مرکز مطالعات توسعه قضایی با تدوین لایحه تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به تأسیس کانون اصلاح و تربیت توجه نموده است. این لایحه هم‌اکنون (آبان ۱۳۸۵) پس از تصویب در هیأت دولت در مجلس شورای اسلامی با نام لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان تحت بررسی قرار دارد.

بر اساس ماده ۱ این آیین‌نامه قانون اصلاح و تربیت «مرکزی است که نگاهداری، تهذیب و تربیت ... [اطفال بزهکار] را بر عهده دارد.»* از این رو، قانون مذکور مطابق ماده ۱۴، ۱۵ و ۱۶ یاد شده آیین‌نامه موظف شده است از یک سو با بهره‌گیری از متخصصان پزشکی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی برای بهبود وضعیت جسمی و روانی (روحی) اطفال بزهکار - به گونه‌ای که می‌توان قانون اصلاح و تربیت را «بیمارستان بزهکاران» نامید - و از سوی دیگر با استفاده از متخصصان تربیتی، پرورشی و حرفه‌آموزی - به گونه‌ای که می‌توان نهاد مزبور را «مدرسه بزهکاران» نام‌گذاری کرد - در جهت دوباره اجتماعی شدن کودکان بزهکار اقدام نماید.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تدوین کنندگان مقررات کیفری ایران تحت تأثیر الگوی بالینی و با پیش‌بینی مقررات متعددی در دو سطح تقنینی و فروتقنینی در زمینه تشکیل قانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار و لزوم نگاهداری آنان در این مراکز، درصدد آموزش قواعد اخلاقی و اجتماعی به این دسته از مجرمان و در نتیجه بازپروری آنان بوده‌اند.

ج. بازپروری بزهکاران در مراکز مراقبت پس از خروج

بزهکاران معمولاً پس از تحمل مجازات - به ویژه بعد از سپری کردن دوران زندان - برای زندگی در جامعه با مشکلات مادی و معنوی متعددی روبه‌رو می‌شوند. از این رو، اتخاذ «تدابیر حمایتی - مراقبتی» به ویژه مراقبت پس از خروج زندانیان از زندان نقش بسزایی در کاهش احتمال گرایش دوباره آنان به بزهکاری ایفا می‌کند. زیرا اعمال اقدامهای حمایتی - مراقبتی در نهادهایی که بدین منظور تأسیس می‌شوند، باعث کاسته شدن مشکلات مادی و معنوی مجرمان و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری دوباره آنان می‌گردد. نویسندگان مقررات کیفری ایران نیز با توجه به اهمیت این امر در بازپروری بزهکاران در دو سطح تقنینی و فروتقنینی به آن اشاره کرده‌اند.

* برای تحقق چنین امری مطابق ماده ۴ آیین‌نامه مزبور پرونده شخصیت کودکان بزهکار که دربرگیرنده آگاهی‌هایی در زمینه میزان تحصیلات، وضعیت خانوادگی، اجتماعی، اخلاقی، جسمانی، روانی و حتی استعداد حرفه‌آموزی است، از سوی مددکاران اجتماعی در دو قسمت قضایی و اجتماعی تشکیل می‌گردد تا از این طریق دست اندرکاران عدالت کیفری با اتخاذ تدابیر واکنشی منطبق با واقعیتها، به اصلاح و تربیت اطفال بزهکار مبادرت ورزند.

بدین سان، قانونگذار ایرانی با بهره‌گیری از آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی و به منظور پیگیری فرایند بازپروری زندانیان آزاد شده از زندان، مراقبت پس از خروج آنان از زندان را از رهگذر بند ح ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سال ۱۳۶۴ و بند ۱۲ - ۹ قسمت نخست قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۳۶۸، وارد پهنه تقنینی ایران کرده است. نهادهای یاد شده مطابق این مواد موظف شده‌اند برای کاهش میزان تکرار جرم، اجرای عدالت، برقراری امنیت قضایی و حمایت از آزادیهای مشروع فردی و اجتماعی، به مراقبت از زندانیان آزاد شده مبادرت ورزند.

در کنار این دسته از مقررات تقنینی، شماری از مقررات فروتقنینی نیز در پرتو ماده ۳ و ۲ اساسنامه انجمنهای حمایت از زندانیان سال ۱۳۶۰،* بند ح ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی امور خودکفایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سال ۱۳۶۴، بند ۳ ماده ۱ آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد سال ۱۳۷۷، بند ت ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۳۷۹ و ماده ۱۶، بند ن ماده ۱۸، بند ج ماده ۲۴، ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سال ۱۳۸۴، حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده از زندان، به ویژه زندانیان بی‌کار و بی‌مسکن، کمک به خانواده آنان، مساعدت در بهبود وضعیت بهداشتی، درمانی، آموزشی و پرورشی زندانیان و بسترسازی برای مشارکت نهادهای اجتماعی در مراقبت و حمایت از این دسته از مجرمان را به منظور بازگشت زندانیان به زندگی سالم اجتماعی، بر عهده انجمنهای حمایت از زندانیان، ستاد مبارزه با مواد مخدر، کمیته بهداشت، درمان و تأمین اجتماعی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نهاده‌اند.

نقش مراکز مراقبت بعد از خروج در بازپروری زندانیان به اندازه‌ای مؤثر است که در سال ۱۳۷۸ آیین‌نامه‌ای در این زمینه، به طور جداگانه، تدوین شده است. مطابق ماده ۱ این آیین‌نامه: اداره مراقبت بعد از خروج در راستای اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده واجد شرایط و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت به یک زندگی سالم اجتماعی ایجاد می‌گردد.

* گفتنی است که در کشور ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۲۰، بنگاه حمایت زندانیان تأسیس شد.

بدین سان، نویسندگان این آیین‌نامه بر اساس ماده ۳، ۶ و ۸ آن به منظور اصلاح و تربیت بزهکاران، وظایفی از جمله «ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان»، «ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشتی و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی و ...»، «نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب و ...» و «استفاده از پزشکان، مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت، صاحبان تخصص و حرف و امثال آن» را بر عهده مراکز یاد شده قرار داده‌اند.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که مراکز مراقبت پس از خروج زندانیان از زندان با رویکردی بالینی و حمایتی - مراقبتی مورد توجه تدوین کنندگان مقررات تقنینی و فروتقینی قرار گرفته است تا برنامه‌های اصلاحی - درمانی آغاز شده در زندان برای رسیدن به نتیجه مطلوب - که همانا بازپروری بزهکاران است - از طریق این مراکز ادامه یابد.

د. بازپروری بزهکاران در بیمارستان روانی مجرمان

به گواهی آمارهای جنایی معمولاً شماری از بزهکاران تحت تأثیر اختلالات عصبی، روانی، شخصیتی و نارساییهای جسمی به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند. از این رو، اتخاذ تدابیر درمانی - بالینی درباره این دسته از مجرمان بیش از اعمال مجازات به سازگاری آنان با جامعه کمک می‌کند. به همین منظور قانونگذار ایرانی بر اساس ماده ۳ و ۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹، ماده ۲۹ و ۳۷ و ۵۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ و تبصره ۱ ماده ۲۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) سال ۱۳۷۸، مقام قضایی را مکلف کرده است تا پیش از دادرسی و اجرای حکم کیفری زندانی دیوانه را به منظور مداوا به بیمارستان روانی اعزام نماید.*

افزون بر این نویسندگان آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی

* بر اساس ماده ۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹ مقام قضایی هنگامی می‌تواند این دسته از بزهکاران را به تیمارستان مجرمان دیوانه اعزام نماید که: نخست، حالت خطرناک بزهکاران دیوانه محرز گردد؛ دوم، حضور آنان در جامعه سبب اخلال در نظم یا امنیت عمومی شود (قاسمی، ۱۳۷۴: ۱۱۸) و سوم، مداوای بزهکاران دیوانه لازم باشد (نوربها، ۱۳۷۵: ۵۱۹).

کشور سال ۱۳۸۴ نیز در ماده ۱۱۶ نگاهداری و درمان «محکومان مبتلا به بیماریهای روانی ... [را] با لحاظ نظر پزشک متخصص و نیز سیاستهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» مورد توجه قرار داده‌اند.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که شماری از مقررات تقنینی شکلی و ماهوی و فروتقنینی با پیش‌بینی تأسیس بیمارستان روانی مجرمان - که مؤسسه‌ای پزشکی است - به نقش مؤثر اقدامهای درمانی در بازپروری مجرمان اشاره نموده‌اند (ر.ک: دانش: ۱۳۵۶).

ه. بازپروری بزهکاران در مراکز مداوای بزهکاران معتاد

بر اساس یافته‌های پژوهشی معمولاً دسته‌ای از مجرمان در اثر اعتیاد به مواد مخدر، الکلی و غیره به بزهکاری رو می‌آورند. از این رو، سیاستگذاران جنایی در پرتو شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی، درمان و بازپروری این گروه از بزهکاران را مد نظر قرار می‌دهند. مقنن ایرانی نیز در بند ۴ ماده ۳ و ماده ۷ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹ به بازپروری بزهکاران معتاد از طریق ایجاد مراکز تخصصی درمانی توجه کرده است. بر اساس این مواد «هر گاه شخصی مرتکب جنحه یا جنایت [جرم] شده و معلوم گردد اعتیاد به استعمال مواد الکلی دارد و ارتکاب جرم هم ناشی از این عادت است دادگاه ضمن حکم مجازات مقرر خواهد داشت قبل از اجرای مجازات، مجرم برای معالجه و رفع اعتیاد در مراکز معالجه معتادین نگاهداری شود.» همچنین مطابق قسمت پایانی ماده ۶ و ۷ این قانون «در مورد اشخاصی که معتاد به استعمال مواد مخدره بوده و به ترتیب فوق مرتکب جرم می‌شوند» همانند بزهکاران معتاد به مواد الکلی برخورد می‌گردد.*

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که قانونگذار ایرانی در پرتو قانون اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۳۹ به مداوای دسته‌ای از مجرمان - یعنی بزهکاران معتاد - توجه کرده تا پیش از اجرای کیفر با درمان این عده از مجرمان گامی در جهت بازپروری آنان برداشته شود.

* مطابق مواد مزبور مقام قضایی در صورت تحقق سه شرط می‌تواند بزهکاران معتاد را به مراکز تخصصی درمانی اعزام نماید؛ نخست، ارتکاب جنحه یا جنایت - البته از آنجا که با تدوین قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ دسته‌بندی جرائم تغییر کرده است، تشخیص مصادیق جنحه و جنایت قابل بررسی است (نیازپور، ۱۳۸۳: ۵۹) - دوم، اعتیاد داشتن بزهکار به مواد الکلی و مواد مخدر (ر.ک: جمشیدی: ۱۳۸۴) و سوم، تأثیر اعتیاد بر بزهکاری است.

گفتار دوم: بازپروری بزهکاران در بستر دستگاه اجرایی

تدوین کنندگان مقررات تقنینی و فروتقنینی ایران، افزون بر واگذاری بازپروری بزهکاران به دستگاه قضایی، شماری از نهادهای اجرایی را نیز مکلف کرده‌اند تا به بازپروری مجرمان مبادرت ورزند. از این رو، در این گفتار بازپروری بزهکاران در دستگاه اجرایی از طریق سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. بازپروری بزهکاران در سازمان بهزیستی

در جوامع بشری از دیرباز تاکنون همواره انسانهایی زندگی می‌کنند که از شرایط مناسب اقتصادی، اجتماعی، جسمانی و روانی برخوردار نیستند. به همین دلیل این جوامع تلاش می‌نمایند تا وضعیت زندگی آنان را به نوعی بهبود بخشند. یکی از اقدامهایی که معمولاً جوامع یاد شده از طریق آن به دنبال بهبود وضعیت زندگی انسانها هستند، نهادینه کردن خدمات رفاهی، بهزیستی و توانبخشی است.

در کشور ایران خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ از رهگذر اصول ۲۱ و ۲۹ این قانون و به پیروی از آنان قانونگذار ایرانی در لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور سال ۱۳۵۹،* قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست سال ۱۳۷۱ و قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۸۳، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در زمینه تأمین رفاه اجتماعی، حمایت مادی و معنوی از خانواده‌های بی سرپرست و نیازمند، خدمت‌رسانی به کودکان در جنبه‌های گوناگون مادی و معنوی، مانند فراهم نمودن امکانات تحصیلی، مورد حمایت قرار دادن معلولان و سالمندان نیازمند، پیشگیری از وقوع کجرویهای اجتماعی** و دوباره تربیت کردن کجرویان اجتماعی را به سازمان بهزیستی کشور واگذار کرده‌اند.

افزون بر این، برخی از مقررات فروتقنینی نیز بازپروری بزهکاران را در شمار وظایف

* لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور، نخستین بار توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۸ تصویب گردید و سپس در سال ۱۳۷۵ توسط مجلس شورای اسلامی مورد بازبینی قرار گرفت.
** کجروی در معنای جامعه‌شناختی دربرگیرنده همه رفتارهای هنجارشکن مستوجب سرزنش اجتماعی و یا مستوجب پاسخ کیفری است، ولی کجروی در معنای جرم‌شناختی فقط شامل آن دسته از رفتارهای هنجارشکن است که مستوجب سرزنش اجتماعی می‌باشند (ر.ک: نجفی ابرندآبادی: ۱۳۸۳).

سازمان مذکور قرار داده‌اند. از این‌رو، سازمان یاد شده بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی چگونگی تشخیص نیاز مددجویان و مصرف اعتبار برنامه کارآموزی و بازپروری اجتماعی سازمان بهزیستی کشور سال ۱۳۷۱، ماده ۱ و ۲ آیین‌نامه اجرایی مراکز حمایت و بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب دیده اجتماعی ویژه سال ۱۳۷۶، ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی مراکز بازپروری معتادین سال ۱۳۷۲ و دستورالعمل تشکیل واحدهای پذیرش و پیگیری معتادین خود معرف سال ۱۳۷۷، موظف شده است با اتخاذ تدابیر مناسب آموزشی، پرورشی، خدماتی، درمانی - پزشکی و روانی - اجتماعی در مسیر بازپروری دسته‌ای از بزهکاران - یعنی زنان ویژه، معتادان، ولگردان و گدایان - گام بردارد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که سازمان بهزیستی کشور - به عنوان یکی از نهادهای اجرایی - باید با رویکردی حمایتی - مراقبتی و اصلاحی - درمانی بسترهای مناسب را برای ترمیم فرایند اجتماعی شدن شماری از بزهکاران و بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی فراهم کند.

ب. بازپروری بزهکاران در ستاد مبارزه با مواد مخدر

جرائم مرتبط با مواد مخدر از دیرباز تاکنون در همه جوامع بشری وجود داشته است. در کشور ایران نیز این‌گونه از بزهکاری به گواهی متون تاریخی پیشینه‌ای کهن دارد (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۱۶۰). در دوران گذشته معمولاً جوامع بشری از ابزارهای کیفی برای مبارزه با این پدیده بهره می‌گرفتند. اما این سلاح با کارکردی سرکوبگر نتوانست در زمینه کاهش میزان این دسته از جرائم مؤثر باشد. به همین دلیل تدوین کنندگان مقررات کیفی در زمینه مبارزه با جرائم مرتبط با مواد مخدر، تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی سیاست کیفی اصلاحگر را جایگزین سیاست کیفی سرکوبگر کرده‌اند.

در کشور ایران از سال ۱۲۸۹ تا سال ۱۳۷۶ در پرتو مقررات متعدد تقنینی و فروتقنینی با رویکردی سرکوبگر به پاسخدهی به این‌گونه از جرائم نگریسته می‌شد (ر.ک: کوشا: ۱۳۷۹) تا اینکه مقنن ایرانی در آن سال از یک‌سو تحت تأثیر سیاست جنایی سازمان ملل متحد در این زمینه و از سوی دیگر به دلیل ناکارآمدی ابزارهای کیفی سرکوبگر در کنترل جرائم مرتبط با مواد مخدر، با تدوین قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن ابزارهای کیفی اصلاحگر را وارد پهنه مقررات کیفی ایران نموده است.

قانونگذار ایرانی با پذیرش چنین رویکردی در قانون مذکور، ستاد مبارزه با مواد مخدر را متولی اصلی پیشگیری از وقوع این جرائم و بازپروری مرتکبان جرائم مرتبط با مواد مخدر، به ویژه معتادان، قرار داده است. بدین سان، مقنن ایرانی در ماده ۱۵ این قانون افزون بر پذیرش الگوی سزاده به منظور پاسخ‌دهی به جرم اعتیاد، الگوی بالینی را نیز به منظور درمان و بازپروری معتادان پیش‌بینی کرده است.* به دیگر سخن، قانونگذار ایرانی در این ماده درمان و بازپروری معتادان را بر مجازات آنان ترجیح داده است (طاهایی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۰۲).

افزون بر این، شماری از مقررات فروتقینینی نیز بازپروری معتادان را به این ستاد واگذار کرده‌اند. از این رو، مطابق بند ب ماده ۴ و ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۷۷ و بندهای و، ز ماده ۹ و بند د ماده ۱۰ و ماده ۱۱ تصویب‌نامه راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال ۱۳۷۹، ایجاد ساختار بازپروری معتادان در این ستاد، خصوصی‌سازی مراکز بازپروری معتادان و فراهم کردن فرصتهای شغلی برای آنان در شمار وظایف ستاد یاد شده قرار گرفته است.

پیشگیری از اعتیاد و بازپروری معتادان آن چنان با اهمیت است که سیاستگذاران جنایی ایران در سال ۱۳۷۷ آیین‌نامه‌ای در این زمینه، به طور خاص، با عنوان آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد به مواد مخدر تدوین نموده‌اند. این آیین‌نامه که با الهام از دانش پزشکی و پیروی از الگوی سه‌گانه پیشگیری از بزهکاری - یعنی پیشگیری نخستین (پیشگیری از اعتیاد)، پیشگیری دومین (حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد به مواد مخدر) و پیشگیری سومین (درمان معتادان) - تدوین شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۲۵)، در بند ۲ ماده ۱ درمان و بازپروری معتادان را بر عهده شماری از اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر از جمله سازمان صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نهاده است. این نهادها بر اساس ماده ۲، ۵، ۶ و ۷ آیین‌نامه مزبور موظف شده‌اند تا با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر

* مطابق تبصره ۳ ماده ۱۵ قانون مزبور «دولت مکلف است برای احیا و ایجاد اردوگاههای بازپروری معتادین به مواد مخدر اقدام لازم را به عمل آورد».

برای بازپروری معتادان از طریق فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی شهروندان، جامعه‌پذیری و مردم‌آمیزی دانش‌آموزان و خصوصی‌سازی مراکز بازپروری معتادان،* گسترش امکانات درمانی - پزشکی به ویژه آسان نمودن دسترس معتادان به داروهای مورد نیاز، تربیت متخصصان بازپروری معتادان و مشارکت نهادهای اجتماعی در بازپروری آنان اقدام نمایند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که ستاد مبارزه با مواد مخدر با همکاری شماری از نهادهای اجرایی، به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در زمینه بازپروری معتادان مبادرت می‌ورزد.

نتیجه‌گیری

امروزه بازپروری بزهکاران در کنار پیشگیری از بزهکاری از موضوعهای اصلی سیاست جنایی سازمان ملل متحد و شمار زیادی از کشورها به شمار می‌رود. سیاست جنایی ایران نیز در سطح فراتقنینی و به پیروی از آن در سطح تقنینی و فروتقنینی، چندی است که در زمینه پاسخ‌دهی به مجرمان تحت تأثیر سیاست جنایی سازمان ملل متحد و تحولات جرم‌شناختی جنبه اصلاحی - درمانی به خود گرفته است، به گونه‌ای که در شماری از مقررات ایران تشکیل مراکز ویژه‌ای برای بازپروری بزهکاران پیش‌بینی شده است. با وجود این، سیاست جنایی ایران در زمینه بازپروری مجرمان به دلیل ماهیت سیاست کیفری ایران، نبود ابزار کافی برای اصلاح و درمان مجرمان، نبود تخصص لازم در این زمینه و عدم اجرای برخی سیاستها و برنامه‌های اصلاحی - درمانی در سرگردانی به سر می‌برد. از این رو، به منظور اجرای حقوق بازپروری بزهکاران در ایران چند پیشنهاد ارائه می‌گردد:

نخست، بازنگری در سیاست کیفری (زرادخانه کیفری) ایران؛ بازپروری بزهکاران در گرو استفاده نظام عدالت کیفری از مجازاتهای بالینی است. از این رو، اعمال کیفرهای سرزنش‌کننده از جمله کیفرهای بدنی نمی‌توانند تأثیر چندانی بر بازپروری مجرمان داشته باشند، زیرا این‌گونه

* در جهت تأسیس مراکز خصوصی درمان معتادان، آیین‌نامه‌ای با عنوان تأسیس مراکز درمان اعتیاد در بخش خصوصی در سال ۱۳۸۰ توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تدوین شده است. این آیین‌نامه که با رویکرد بالینی به پدیده اعتیاد می‌نگرد، مرکز درمان اعتیاد را مرکزی می‌داند که «امکانات ارائه خدمات درمانی سم‌زدایی، نگهدارنده، پیگیری و خدمات پیشگیری از عود را ... داشته باشد». بدین‌سان، ملاحظه می‌شود که این آیین‌نامه از یک سو با بیان عبارت «پیشگیری از عود» بازپروری و درمان معتادان را مورد توجه قرار داده است و از سوی دیگر به نقش نهادهای اجتماعی - که مراکز خصوصی یکی از جلوه‌های آن است - در بازپروری معتادان و درمان آنان اشاره کرده است.

از مجازاتها با رویکردی تنبیهی بیشتر به دنبال سزادهی مجرمان هستند تا بازپروری آنان. افزون بر این، با توجه به اینکه شماری از پژوهشهای جرم‌شناختی به زیان‌آور بودن کیفر زندانهای کوتاه‌مدت اشاره کرده‌اند، با اعمال این‌گونه از مجازات نیز نمی‌توان بازپروری بزهکاران را انتظار داشت. بنابراین، به نظر می‌رسد با حذف کیفرهای بدنی و زندانهای کوتاه‌مدت از زرادخانه کیفری ایران و جایگزین کردن کیفرهای جامعه‌مدار مانند خدمات عمومی و دوره مراقبت، احتمال بازپروری مجرمان بیش از گذشته افزایش یابد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۴).

دوم، الزامی کردن تشکیل پرونده شخصیت مجرمان در فرایند کیفری؛ تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران به طور کلی مجریان نهادهای عدالت کیفری و به طور خاص دادرسان کیفری را به سوی گزینش مناسب‌ترین و عادلانه‌ترین پاسخ کیفری هدایت می‌کند. اما به نظر می‌رسد که تدوین کنندگان مقررات تقنینی و فروتقنینی ایران اهمیت چندانی برای تشکیل این پرونده در فرایند کیفری قائل نشده‌اند (نیازپور، ۱۳۸۴: ۱۷۶/۱). زیرا اگر چه در برخی از مقررات فروتقنینی مانند آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی سال ۱۳۸۴ تشکیل پرونده شخصیت برای اتخاذ تدابیر اصلاحی - درمانی برای زندانیان الزامی تلقی شده، ولی در بیشتر موارد مانند ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) سال ۱۳۷۸، استفاده از این ابزار بالینی به شکل اختیاری مد نظر نویسندگان مقررات تقنینی و فروتقنینی ایران قرار گرفته است.

با وجود این، امروزه شماری از لایحه‌های قضایی - کیفری از جمله بند ۳ ماده ۹ لایحه پیشگیری از وقوع جرم با بیان عبارت «ارائه راهکارهای لازم جهت استفاده از روشهای شناسایی شخصیت مجرمان در فرایند صدور و اجرای حکمهای کیفری» تشکیل پرونده شخصیت را یکی از سازوکارهای پیشگیری قضایی از بزهکاری (پیشگیری از تکرار جرم) به شمار آورده است.*

سوم، اجرای برخی سیاستهای اصلاحی - درمانی؛ نویسندگان شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی ایران تأسیس نهادهای خاصی مانند تیمارستان مجرمان دیوانه و مراکز مراقبت پس از خروج را برای بازپروری بزهکاران پیش‌بینی کرده‌اند، ولی هنوز بزهکاران دیوانه و

* بند ۱ ماده ۹ لایحه پیشگیری از وقوع جرم مقرر می‌نماید که «پیشگیری قضایی عبارت است از تدابیر و اقدامهای دستگاه قضایی در خصوص اصلاح مجرمان و پیشگیری از تکرار جرم، استفاده مناسب از قرارهای تأمین و ضمانت اجراها و جلب اعتماد عمومی نسبت به نهادهای عدالت کیفری.»

زندانیان آزاد شده در انتظار تأسیس این نهادها بسر می‌برند. از این رو، تأسیس این نهادها می‌تواند تأثیر بسزایی بر بازپروری مجرمان داشته باشد.

چهارم، آموزش مجریان عدالت کیفری؛ فرایند بالینی بزهکاران از هنگام ورود آنان به فرایند عدالت کیفری آغاز می‌شود. از این رو، چگونگی برخورد مجریان عدالت کیفری (اعم از مأموران نیروی انتظامی، دادرسان، زندانبانان و غیره) با مجرمان نقش بسزایی در اصلاح و درمان آنان ایفا می‌کند. بدین‌سان، تربیت متخصص در این زمینه، آموزش پیش از آغاز به خدمت مجریان عدالت کیفری به ویژه زندانبانان در زمینه حقوق کیفری، حقوق انسانی (بشر)، علوم جرم‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و غیره و آموزش هنگام خدمت آنان از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی فراگیر، برای تحقق بازپروری مجرمان امری ضروری به شمار می‌رود.*

پنجم، اجرای برخی برنامه‌های اصلاحی - درمانی؛ شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی ایران به ویژه آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سال ۱۳۸۴ برنامه‌های متعدد اصلاحی - درمانی را در محیط زندان پیش‌بینی کرده‌اند که همچنان شمار زیادی از آنها از جمله دسته‌بندی زندانیان (البته نه فقط بر اساس جنس بزهکاران) با توجه به نوع جرم ارتكابی، سن مجرمان، میزان تحصیلات بزهکاران، ایجاد فرصتهای شغلی برای آنان و آموزش و پرورش زندانیان به درستی اجرا نشده‌اند یا در انتظار اجرا به سر می‌برند. بدین‌سان، اجرای این برنامه‌ها نقش مؤثری در بازپروری بزهکاران ایفا می‌کند.

بدین ترتیب، با توجه به اینکه امروزه به دلیل تأکید شماری از اسناد بین‌المللی بر حق اصلاح و درمان مجرمان می‌توان از «جهانی شدن مفهوم بازپروری بزهکاران» سخن گفت، سیاستگذاران جنایی ایران نیز باید با برطرف کردن موانع یاد شده، زمینه‌های اجرای «حقوق بازپروری بزهکاران» و در نتیجه امکان بازگشت مجرمان به زندگی شرافتمندانه را فراهم کنند.

* یکی از سازوکارهای تربیت متخصص در زمینه زندانبانی می‌تواند تأسیس رشته‌ای تحت عنوان «علوم زندانبانی» در دانشگاهها با همکاری سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور باشد.

منابع

الف. فارسی

۱. آشوری، محمد، *جایگزینهای زندان یا مجازاتهای بینابین*، تهران، انتشارات گرایش، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۲. آنسل، مارک، *دفاع اجتماعی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۳. اردبیلی، محمدعلی، «پیشگیری از اعتیاد»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ نخست، ۱۳۷۹، جلد نخست.
۴. جمشیدی، حمیدرضا، «آشنایی با فهرست مواد مخدر و روان‌گردان»، *علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر)*، قم، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴، جلد دوم.
۵. خواجه‌نوری، یاسمن، *تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۶. دانش، تاج‌زمان، *اصول علم زندانها*، تهران، انتشارات دانش امروز، چاپ نخست، ۱۳۵۶.
۷. دانش، تاج‌زمان، *حقوق زندانیان و علم زندانها*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
۸. رجبی، امین، *شرح آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور*، تهران، انتشارات دانشور، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۹. رحمدل، منصور، «تحولات سیاست جنایی ایران در قلمرو مواد مخدر (۱۳۷۹-۱۳۸۹)»، *مجله حقوقی و قضایی دادگستری*، شماره ۳۲، ۱۳۷۹.
۱۰. صفاری، علی، «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، *علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر)*، قم، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴، جلد دوم.

۱۱. صلاحی، جاوید، *اخذ تصمیم دربارهٔ کودکان و نوجوانان بزه‌کار و ناسازگار*، تهران، انتشارات گوتنبرگ، چاپ نخست، ۱۳۵۶.
۱۲. طاهایی‌نژاد، سید علیرضا، *پیشگیری از بزه‌کاری و اصلاح مجرمین در حقوق ایران*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۱۳. عباچی، مریم، *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*، تهران، انتشارات مجد، چاپ نخست، ۱۳۸۰.
۱۴. غلامی، حسین، *تکرار جرم*، تهران، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۱۵. قاسمی، ناصر، *اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران*، تهران، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۷۴.
۱۶. کوشا، جعفر، «جرائم و مجازات‌ها و تحولات آن در قوانین کیفری ایران»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، تهران، انتشارات روزنامهٔ رسمی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، ۱۳۷۹، جلد نخست.
۱۷. گزارش ملی جوانان، *بررسی وضعیت قانونگذاری و سیاستگذاری جوانان*، تهران، انتشارات اهل قلم، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۱۸. مهرا، نسرین، «عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل»، *مجلهٔ تحقیقات حقوقی*، شمارهٔ ۳۸، ۱۳۸۲.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار»، [دیباچه در] عباچی، مریم، *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*، تهران، انتشارات مجد، چاپ نخست، ۱۳۸۰.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «بررسی جرم‌شناسی اطفال»، *مجلهٔ آراء*، شمارهٔ ۷-۸، ۱۳۸۳.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات مباحثی در علوم جنایی*، تهران، ۱۳۸۳، جلد دوم.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، تهران، انتشارات روزنامهٔ رسمی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، ۱۳۷۹، جلد نخست.

۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «زندادان: درمادگاه بزهاکار و بزهاکاران؟»، [دبببببب در] بولک، برنار، کبفرشناسی، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۸، ۱۳۷۵.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «کیفرهای جامعه‌مدار»، [دبببببب در] بولک، برنار، کبفرشناسی، تهران، انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، میر محمدصادقی، حسین و مرعشی، سید حسین، «بزهاکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، [مبببببب] *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
۲۷. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات کانون وکلای دادگستری، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۲۸. نیازپور، امیرحسن، *بزهاکاری به عادت و پیشگیری از آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۲۹. نیازپور، امیرحسن، «پیشگیری از بزهاکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
۳۰. نیازپور، امیرحسن، «چگونگی صدور قرار تأمین مناسب در مورد متهمان به جرائم مواد مخدر»، *علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر)*، قم، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴، جلد نخست.
۳۱. وزیریان، محسن، «مروری بر برنامه‌های کاهش تقاضای مواد در ایران و توصیه‌هایی برای برنامه‌های توسعه راهبردی کشور»، *مجله رفاه اجتماعی*، شماره ۸، ۱۳۸۲.

ب. لاتین

32. Brown, Stephen E and others, *criminology: Explaining crime and Its context*, Anderson publishing Co, 1999.
33. Duff, R.A, *Punishment communication and community*, oxford University press, 2001.